

## سخن سردبیر

باعث خرسندی است که دومین شماره فصل نامه "جامعه و محیط زیست"، منتشر شده است. مطالعه علمی ارتباط جامعه و محیط زیست که در قالب شاخه نسبتاً جدید جامعه شناسی محیط زیست صورت می‌پذیرد، به تدریج در حال جا افتادن در مراکز علمی- پژوهشی و دانشگاهی ایران است و این گام‌های آغازین ستودنی است. طبیعی است که شرایط جامعه ما به گونه ای است که اولویت‌های اساسی دیگری مانع توجه کافی به مسأله ارتباط جامعه و محیط زیست در کشور شده و اکنون که نسل جدید از محققان، صاحب نظران و به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی این مسأله را مورد توجه قرار دادند، تا رسیدن به وضعیت قابل قبول فاصله دارد. مهم این است که افق روشن است و این توجهات ارزنده و فزاینده می‌تواند روزنه امید نسبت به مطالعه ارتباط جامعه و محیط زیست را به تدریج فراخ تر نماید. خوانندگان فرهیخته می‌توانند از مجموع مقالات مندرج در شماره قبلی و نیز این شماره فصل نامه، خطوط کلی مباحث را دنبال نمایند و متوجه شوند که مطالعه ارتباط میان مسائل اجتماعی و مسایل محیط زیستی به صورت عام در این مقالات مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال، گستردگی ابعاد و مسایل جامعه از یک طرف و گستردگی ابعاد مسایل محیط زیست از طرف دیگر، باعث شده است تا مقالات نیز از تنوع بسیار زیاد برخوردار باشد. بدون ایجاد انتظار، صادقانه باید اذعان داشت که سال‌ها تا رسیدن به وضعیت مطلوبی که موضوعات با تمرکز بر مسایل خاص جامعه شناسی محیط زیست فاصله داریم. وضعیت فعلی ما شبیه وضعیت دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته است که مسائل محیط زیست از سر الزام و اضطرار از دریچه کلی علم اجتماعی نگریسته می‌شد و تنها بدنبال تحولات اساسی در حوزه جامعه شناسی بود که مسایل محیط زیست به صورت خاص از دریچه جامعه شناسی محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، می‌توان تلاش‌های آغازین در این جا را ارج نهاد و امیدوار بود که با طی مسیر درست به نقطه ای برسیم که مسایل محیط زیستی با رویکردهای جامعه شناسی مورد توجه قرار گیرد.

شماره دوم فصل نامه "جامعه و محیط زیست" نیز دارای شش مقاله می‌باشد که هر کدام تلاش نمودند به نوعی به مطالعه و تبیین یکی از وضعیت‌های محیط زیستی در ارتباط با جامعه بپردازند.

**مقاله اول** با عنوان «بررسی رابطه بین رفتار بازیافتی و آگاهی نسبت به بازیافت با نقش میانجی منابع کسب خبر (مورد مطالعه: زنان شهر گرگان)» می‌باشد که هدف اصلی آن شناخت رابطه بین رفتار بازیافتی زنان و آگاهی آنان نسبت به بازیافت، با تأکید بر کنترل تأثیر منابع کسب خبر است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین رفتار بازیافتی زنان در حد متوسط رو به بالا (۳/۳۵۳ از ۵) بوده و بین رفتار بازیافتی و آگاهی با کنترل نقش منابع کسب خبر رابطه مثبت و

معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد در مجموع ۳۶/۲ درصد از تغییرات رفتار بازیافتی از طریق متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می شود. علاوه بر این، نتایج تجزیه و تحلیل مدل معادله‌های ساختاری نشان داد که تنها متغیر آگاهی تأثیر مستقیم و معنی داری بر رفتار بازیافتی دارد. بدین ترتیب، مدل تحقیق توانست تا حد قابل قبولی یک مسأله اجتماعی همچون رفتار بازیافتی را تبیین نماید.

**مقاله دوم** تحت عنوان «ارزیابی و آسیب‌شناسی گفتمان‌های مسلط بر حکمرانی آب کشور در پنج دهه اخیر (از منظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری)» می‌باشد که از نگاه آسیب‌شناسانه به مسأله حکمرانی آب در کشور پرداخته است. مطابق ادعای نویسندگان، نتایج ارزیابی نشان داد حکمرانی آب در ایران برآمده از گفتمان سیاسی و بین‌المللی بوده است. به طوری که در دوره‌هایی که گفتمان حاکم مبتنی بر عدالت و حمایت‌گری دولت در امر اقتصاد بوده است (تأکید بیشتر بر سیاست‌های چپ‌گرایانه)، تسهیلهای برداشت از منابع آب علی‌الخصوص آب زیرزمینی تشدید شده است. در حالی که دوره‌هایی که گفتمان حاکم مبتنی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی بوده است (تأکید بیشتر بر سیاست‌های آزادسازی اقتصادی راست‌گرایان)، توسعه منابع آب سطحی الگوی مسلط بر حکمرانی آب بوده است. همچنین در بسیاری از موارد همسویی بین دولت و مجلس در تنظیم سیاست‌ها و قوانین ضد پایداری منابع آب وجود داشته است. در مواردی نیز که ناهمسویی مشهود بوده است، دولت درصد حفاظت از منابع آب در تقابل با الگوهای تسهیل‌گر برداشت منابع بوده است.

**مقاله سوم** در این فصلنامه دارای این عنوان می‌باشد: «آسیب‌شناسی روش‌های پژوهش مرتبط با منابع آب‌های زیرزمینی (بازه زمانی: ۱۴۰۱-۱۳۸۵)». همان‌طور که در متن مقاله اصلی آمده است، آب‌هایی زیرزمینی یکی از منابع با ارزش در تأمین آب بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش شرب- بهداشت است. اهمیت این منابع از آنجا دوچندان می‌شود که بدانیم میزان این منابع بسیار محدود و تغذیه منابع آب نیاز به فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب و بارش‌های متناوب در کشور دارد. نویسندگان این مقاله علمی تلاش نمودند تا روش‌های مورد استفاده در پژوهش‌های مرتبط با منابع آب‌های زیرزمینی چاپ‌شده در یکی از فصلنامه‌های وزین و علمی کشور را مورد واکاوی قرار دهند. نتایج این تحقیق نشان داد که بیشترین تعداد مقالات مربوط به روش سناریوسازی در حوزه منابع آب‌های زیرزمینی و بیشترین راهکارها در حوزه منابع آب‌های زیرزمینی را راهکارهای عملی- اجرایی است. درنهایت، نویسندگان مقاله با توجه به اهمیت آسیب‌شناسی روش‌های پژوهش مقالات مرتبط با منابع آب‌های زیرزمینی، در بخش پایانی مقاله، بر چاپ مقالات با روش ترکیبی (ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی) و همچنین توجه به متغیرهای اجتماعی در کنار سایر متغیرهای کمی، عددی و آماری در تحلیل منابع آب‌های زیرزمینی تأکید دارند.

**چهارمین مقاله‌ی** این شماره از فصل نامه "جامعه و محیط زیست" اختصاص یافت به «وضعیت آگاهی اساتید دانشگاه از بومی‌سازی برنامه‌های درسی توسعه پایدار در آموزش عالی». در این مقاله ذکر شده است که اگر از منظر توسعه به برنامه

درسی بنگریم درمی‌یابیم که برنامه درسی توسعه پایدار نگاه همه‌جانبه به فراگیران و ابعاد وجودی آنان دارد. توسعه پایدار را می‌توان حالتی از تعادل و توازن بین ابعاد مختلف توسعه دانست. بومی‌سازی برنامه درسی توسعه پایدار اشاره به توسعه مهارت‌ها، دانش، توانایی‌ها و نگرش‌های دانشجویان در بستری معنادار و مرتبط دارد. با این مقدمه، نویسندگان سعی نمودند به بررسی وضعیت موجود آگاهی اعضای هیأت علمی دانشگاه از بومی‌سازی برنامه‌های درسی آموزش عالی در زمینه توسعه پایدار بپردازند و این وضعیت را در بین تعدادی از اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مورد ارزیابی قرار دهند. به زعم نویسندگان این مقاله، نتایج تحقیق آنها نشان داد که اغلب اساتید (اعضای هیأت علمی) سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی جهت بومی‌سازی برنامه درسی توسعه پایدار ندارند، آنان از نقش‌شان جهت بومی‌سازی برنامه درسی آموزش عالی در زمینه توسعه پایدار آگاهی ندارند، اقدام لازم جهت توسعه پایدار انجام نمی‌دهند، اکثریت این اساتید معتقدند که با چالش‌های اساسی در آگاهی از برنامه درسی توسعه پایدار مواجه هستند.

**مقاله پنجم** از شماره دوم فصل نامه "جامعه و محیط زیست" تحت عنوان «واکاوی تأثیر فرهنگ سیاسی بر عدم تکامل جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران» می‌باشد. در این مقاله، محققان سعی نمودند تا با استفاده مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ دهند که عامل و مانع اصلی شکل‌گیری جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران چیست؟ نویسندگان مقاله مدعی شدند که نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که حاکمیت فرهنگ سیاسی محدود-مشارکتی و به عبارتی، فرهنگ سیاسی ضعیف، باعث عدم نهادینه شدن جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران شده است. علاوه بر این، به زعم آنها این شرایط منجر به پراکنده شدن گروه‌های محیط‌زیستی و کاهش توانایی، انرژی، امکانات، و نفوذ آنها برای شبکه‌سازی در میان گروه‌های مختلف در جامعه برای پیگیری مسائل محیط‌زیستی و گسترش آگاهی محیط‌زیستی شده است. درنهایت، فرهنگ سیاسی محدود، فعالین محیط‌زیستی را واداشته است که به تشکیل دوره‌هایی که فاقد توانایی بسیج اجتماعی افراد در زمینه مسائل محیط‌زیستی است، بسنده کنند و همین مسأله (حاکمیت فرهنگ سیاسی محدود-مشارکتی) آنها را از تداوم، تکامل و نهادینه شدن بازداشته است.

**ششمین و آخرین مقاله‌ای** که در این شماره به چاپ رسید تحت عنوان «تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های محیط‌زیست پایدار» می‌باشد. در این مقاله که مبتنی بر یک پژوهشی تجربی می‌باشد کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی به عنوان مهم‌ترین منبع آموزشی مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود در چه حد در راستای مؤلفه‌های محیط‌زیست پایدار است. بدین منظور به عنوان نمونه، برخی از کتاب‌های پایه‌های دوره‌ی ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ یعنی دروس فارسی، ریاضی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمانی، مطالعات اجتماعی، فناوری اطلاعات، تفکر و پژوهش را مورد بررسی قرار دادند. آن‌طور که نویسندگان مدعی شدند نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ضمن توجه به مؤلفه‌های محیط‌زیست پایدار در کتاب‌های درسی، هر یک از شاخص‌های مؤلفه‌های مذکور به صورت نامتوازن مورد توجه قرار گرفته است و کتب درسی به یک نسبت مؤلفه‌های محیط‌زیست پایدار را تحت پوشش قرار نداده‌اند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تلاش‌های ارزشمندی از سوی محققان، صاحب نظران و اندیشمندان در جهت مطالعه علمی موضوعات محیط زیستی با رویکرد اجتماعی صورت گرفته است که البته آنچه در این شماره از فصل نامه یا به طور کلی در فصل‌نامه "جامعه محیط زیست"، چاپ می‌شود، تنها بخش کوچکی از فعالیت‌های گسترده را نشان می‌دهد. فرصت را غنیمت شمرده و از همه اندیشمندان، صاحب نظران، محققان و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای ارسال مقالات علمی - پژوهی دعوت به عمل می‌آید. رشد و توسعه کمی و کیفی این فصل‌نامه در گرو مقالات با ارزشی است که نویسندگان محترم ارسال می‌دارند و اعضای محترم هیأت تحریریه، کارشناسان فصل‌نامه و داوران محترم است و لذا از هر نوع همکاری با مجله سپاسگزاریم.

### دکتر صادق صالحی

استاد جامعه شناسی محیط زیست

دانشگاه مازندران / ۲۷ مرداد ۱۴۰۳